



### مدیریت محترم مرکز نشر میراث مکتوب

با عرض سلام و با احترام به استحضار می‌رساند: اینجانب محمدحسن ابریشمی، پژوهشگری در باب تاریخ کشاورزی ایران، مؤلف کتابهای پسته ایران (از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی) و زعفران ایران (از انتشارات آستان قدس رضوی) و آثار دیگری است؛ به همین منظور تقریباً همه آثار منتشر شده آن مرکز را خریداری و اکثر آنها را مطالعه و تورق کرده است. آثار بسیار خوب، با چاپ نفیس و کم اشتباه است؛ دست شما و همکاران فرهیخته و ارجمندان درد نکند و خسته نباشید.

اخیراً کتاب تذکره مقیم خانی تألیف محمدیوسف منشی (مقدمه، تصحیح و تحقیق فرشته صرافان، بهار ۱۳۸۰، مرکز نشر میراث مکتوب) را مطالعه می‌کردم. صفحه ۱۹۹ برای موضوع تحقیق اینجانب تشبیهی برای «زعفران» دارد. اشتباهاتی در نیمه فوقانی صفحه به چشم می‌خورد، با نقل بخشی از مطالب، خواهشمند است مقرر فرمایند در صورتی که اشتباه مورد تأیید بانوی فرزانه خانم فرشته صرافان است، اولاً در چاپ بعدی توضیح دهند، ثانیاً معنا و مفهوم آن را به آدرس نگارنده ارسال فرمایند تا در تجدید چاپ زعفران ایران از آن استفاده کند. در جلو کلمات اشتباه، یا احتمالاً غلط کلمات پیشنهادی، که احتمالاً در متن نسخه خطی بوده، در داخل [ ] قرار می‌دهد (از سطر ۷ تا ۹ صفحه ۱۹۹): «... وجد و حال نمودند [۱] و میخوارگان بایران [؟] پیران [خم و ]، [و] زائد است [ جوانان پیاله دست [را] در آغوش کرده [۲]، [چهر [ه] زعفرانی را ارغوانی ساخته [۳] و رقاصان سیم اندام از شوخی اصول طعنه به آرام [؟]، احتمالاً «خرام» به معنای «رفتار به ناز»، «رفتاری که از روی ناز و سرکشی و زیبایی باشد»؛ «آهو خرام: کسی که چون آهو می‌خرامد» لغت‌نامه، ذیل «خرام» [آهو زدند [؟] تا ده روز برین منوال بود ...».

به امید آن که همواره در نشر آثار مکتوب ایران موفق باشید. در خاتمه

پیشنهاد چاپ چهار نسخه خطی که دو نسخه از آنها چاپ شده است توسط همکارانتان را مطرح می‌کند: الف. بیان الطب (فارسی، تألیف ابوالفضل جیش تفلیسی (در قرن ششم) موجود در کتابخانه مسجد سپهسالار (بنا بر نوشته آقای غلامرضا طاهر مصحح قانون ادب، تألیف ابوالفضل جیش تفلیسی، ج ۱، صفحه هشت مقدمه، چاپ بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۰). ب. خلاصة التجارب فی الطب تألیف بهاءالدوله رازی (حدود ۹۱۵ ه. ق.)، نسخه‌های خطی آن به شماره‌های ۱۸۰۰، ۴۹۶۷، ۲۶۷۷، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (بنا بر نوشته آقای دکتر حسن تاج بخش، در نامه فرهنگستان علوم، ش ۴ تابستان ۱۳۷۵، صفحه ۵۱). ج. تبصرة العوام، تألیف سیدمرتضی حسنی رازی در نیمه اول قرن هفتم، این کتاب توسط شادروان عباس اقبال آشتیانی چاپ شده، اما نسخه خطی از آن، به خط نسخ و خوانا که توسط عموی پدرم، حاج ملا رجبعلی شعرباف یزدی، در سال ۱۲۷۵ قمری کتابت شده (منظم به دو رساله و نامه) نزد نگارنده است که برای مقابله در اختیار آن مرکز می‌گذارد.

نسخه چاپ سنگی حدیقة الاقالیم تألیف مرتضی حسین بلگرامی در سال ۱۲۹۶ ه. ق، چاپ لکهنو، نسخه‌ای از آن که در شمار کتابهای اعتمادالسلطنه بوده، و نمره هشتم «کتب جغرافیا» در «کتابخانه صنیع‌الدوله محمدحسن‌خان» بر آن الصاق شده، نزد نگارنده است که آمادگی امانت دادن به آن مرکز را دارد. خواهشمند است تقاضا و پیشنهادهای مخلص را مورد بررسی و پاسخ‌گویی قرار دهند.

با تقدیم احترام

محمد حسن ابریشمی

### جناب آقای اکبر ایرانی

با سلام و احترام، ضمن تشکر و امتنان از محبت سرکار عالی و سایر

مسئولین مؤسسه نشر میراث مکتوب، وصول شماره ۱۶ آینه میراث را به اطلاع می‌رساند.

آرزو دارم که این نشریه، رفته رفته، پربارتر از آنچه که بود و هست بشود؛ تا جایی که به عنوان یکی از منابع مهم اطلاع از فرهنگ و ادب و هنر ایرانی محسوب گردد. البته تصدیق می‌فرمایید که برای تحقق یافتن چنین آرزویی لازم است هم در انتخاب قلمزنان، هم در انتخاب موضوعات و هم در نحوه ارائه مطالب دقت‌های بایسته‌تر و شایسته‌تر از آنچه که اکنون معمول است، بشود.

فقط و فقط به جهت اطلاع سرکار عالی عرض می‌کنم: چنین به نظر می‌رسد که بهتر است نوشته‌های قلمزنان (هرچند کهن است عنوان دکتر داشته باشند و نو قلم چاپ آیند) توسط یکی از زعمای اهل کتاب شاغل در آینه میراث، پیش از سپردن به چاپ، خوانده شده و از برخی جملات و عبارات آن رفع ابهام شود. مثال را آنچه در یک مطالعه سریع یکی دو مقاله به نظرم رسید:

در صفحه ۴۶: «(اشرف السلطنه) ۱۳۳۴ ق در مشهد وفات یافت و از این رو و کتابهایی را که از محمد حسن خان اعتماد السلطنه در اختیار داشت و یا خود جمع‌آوری کرده بود، وقف کتابخانه آستان قدس رضوی نمود». یعنی اشرف السلطنه نخست در مشهد فوت شد و از این رو، یعنی چون در مشهد فوت شد، کتابهایش را به آستان قدس رضوی وقف کرد. اول فوت شد سپس کتابهایش را وقف کرد!

در صفحه ۴۸: «مهدعلیای دوم، ملک جهان خانم دختر محمد قاسم خان پسر سلیمان خان اعتضادالدوله قاجار قوانلو بود و درباره عفت و عصمت او نقل و سخن فراوان است». معلوم نیست این نقل و سخن فراوان درباره با عفت و با عصمت بودن مهدعلیا است، یا این نقل و سخن فراوان درباره بی‌عفتی و بی‌عصمتی مهدعلیا؟

در صفحه ۷۰: «(از تذکره دولتشاه سمرقندی) نسخه‌های خطی و چاپ سنگی بسیاری در دست است که تماماً از روی یکدیگر کپی و نسخه‌برداری شده است». کلمه «بسیار» یک کلمه ارزشی است. یک مقدار از یک چیز یا تعدادی از یک چیز ممکن است برای کسی «بسیار» و برای کسی «کم» یا «جزیی» یا «نه چندان مهم» باشد. حالا که نویسنده تحقیق کرده است و می‌داند که از این تذکره ده نسخه هست (یا وی به آنها دسترسی دارد) به جای «بسیاری»، «ده تا» دقیق‌تر و درست‌تر است. از سویی این کلمه «بسیاری» به نسخه‌های چاپ سنگی هم بر

می‌گردد که گمان نمی‌برم چنین باشد. جز این از تذکره دولتشاه چاپ حروفی «سربی» هم هست. و اما این که «تماماً از روی یکدیگر کپی و نسخه برداری شده است» به شوخی بیشتر شبیه است. همه نسخه‌های کتابهای کهن (میراث مکتوب!) از روی یکدیگر کپی یا نسخه برداری می‌شده‌اند. اگر جز این بود، هر کتاب عنوان متفاوت و مؤلف دیگر می‌داشت!

رحیم رضا زاده ملک

### مدیریت محترم نشر میراث مکتوب

با سلام و سپاس فراوان بدین وسیله وصول یک نسخه از شماره ۱۶ فصلنامه وزین آینه میراث را اعلام می‌دارد.

در زمینه خود مجله‌ای است جامع و جذاب، الهی موقف باشید. درباره تصحیح تذکره دولتشاه سمرقندی که توسط خانم دکتر فاطمه علاقه صورت پذیرفته است، جهت مزید اطلاع عرض می‌شود، همانطور که مصحح محترم اشاره کرده‌اند از کتاب مزبور نسخه‌های خطی فراوان موجود است از جمله:

یک نسخه خطی از تذکره دولتشاه در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد وجود دارد که آن هم به خط مؤلف آمده، با تحریر ۲۸ شوال ۸۹۲ هـ. ق. که نسخه قابل اعتنائی است و در آن چند مهر سلطنتی دیده می‌شود و این نسخه پنج مرتبه عرض دیده شده است. گرچه صحت انتساب این خط یا آن خط به مؤلف، نیاز به کارشناسی بیشتری دارد؛ [فهرست نسخه‌های کتابخانه دانشکده الهیات مشهد، ج ۲ ص ۹۲] در هر حال محقق محترم که تحمل زحمت رویت نسخه‌های آکسفورد و ترکیه و تهران و قم را فرموده است، خالی از لطف نخواهد بود جهت پابوسی حضرت رضا(ع) به مشهد سفری می‌کردید و این نسخه را هم زیارت می‌کردید.

محمود یزدی مطلق

### خلعت سربوست محترم نشر میراث مکتوب

#### با عرض سلام و احترام

قبل از هر چیز باید به خاطر موفقیتی که در احیای آثار ارزنده فرهنگ اسلام و ایران داشته‌اید به شما تبریک بگویم و مزید توفیقات جنابعالی و همکارانتان را از درگاه ایزد متعال خواستار گردم، اما غرض دیگر این حقیر، مطرح نمودن یک سؤال و دو پیشنهاد است:

مذتهاست می‌شنویم این مرکز محترم، انتشار شرح فصوص الحکم

جامی را در برنامه خویش دارد. از آنجا که این شرح، از شروع بسیار ارزنده فصوص الحکم است، بنده نیز همچون سایر علاقه‌مندان به عرفان اسلام، مشتاقانه در انتظار دیدن این کتاب هستم اما متأسفانه تاکنون خبری نشده چنان که به تدریج در اصل خبر نیز تردید پیدا کرده‌ام. سؤال حقیر این است که آیا واقعاً این خبر صحّت دارد یا خیر؟ و در صورت صحّت، تاریخ تقریبی انتشار شرح فصوص جامی چه موقع خواهد بود؟

پیشنهاد اول: گویا این مرکز محترم، نشر کلیه آثار عبدالرحمن جامی را مدّ نظر قرار داده است. جای یک اثر ارزنده جامی تاکنون در بین آثار چاپ شده او خالی مانده است. این اثر «اشعة اللّمعات» و چنان چه مستحضرید، شرح بسیار محققانه‌ای است بر لمعات عراقی. از اشعة اللّمعات یک چاپ سنگی و یک چاپ حروفی به اهتمام مرحوم حامد ربّانی در دست است که هیچ یک، تصحیح انتقادی به شمار نمی‌روند. به عرض می‌رسانم که کتاب مذکور در قالب رساله دکتری آقای دکتر فاطمی، عضو هیأت علمی دانشگاه مشهد، تصحیح گردیده است و اگر صلاح بدانید می‌توانید با ایشان در مورد چاپ آن، مذاکره فرمایید.

پیشنهاد دوم: بر کتاب فصوص الحکم، شروع مختلفی نگاشته شده است که همه آنها در دسترس است بجز شرح فصوص الحکم عبدالغنی نابلسی (موسوم به جواهر النصوص فی حلّ کلمات الفصوص). دلیل این ادّعا به شرح زیر است: شرح فصوص جندی را استاد آشتیانی تصحیح و چاپ کرده (و گویا خیال تجدید چاپ آن را دارند) شرح فصوص کاشانی را انتشارات بیدار چاپ کرده است. شرح فصوص فیضری به تصحیح استاد آشتیانی چاپ گردیده؛ شرح فصوص خوارزمی دو تصحیح مختلف (از استاد آملی و نجیب مایل هروی) دارد. شرح فصوص خواجه پارسا را مرکز نشر دانشگاهی با تصحیح هر چند نامطلوب، دکتر مسگر نژاد چاپ کرده است. شرح فصوص بالی افندی را دارالکتب العلمیه در بیروت چاپ کرده و هر سال در نمایشگاه بین المللی عرضه می‌شود. شرح فصوص جامی را نیز - اگر خبر شنیده شده مقرون به صحت باشد - همین مرکز محترم منتشر خواهد نمود. بنابراین از شروع طراز اول فصوص، فقط همین شرح عبدالغنی نابلسی باقی می‌ماند که از وجوه چندی، دارای اهمیت است:

الف - مؤلف شرح، خود عارفی کامل بوده است و به رموز عرفان این عربی آشنایی داشته است.

ب - این شرح، بسیار به کار مبتدیان و نوآموزان عرفان نظری می‌آید،

زیرا مؤلف، هم به حل مشکلات عرفانی فصوص نظر داشته است و هم به گشودن پیچیدگیهای لفظی آن، عنایت کرده است به طوری که متن فصوص را کلمه به کلمه شرح داده است. از این رو، جواهر النصوص، معدّ خوبی برای آشنایی با فصوص و آمادگی برای خواندن شرحهای فنی‌تر به شمار می‌رود.

متأسفانه از این کتاب فقط یک چاپ در اختیار است که مربوط به صد سال پیش می‌باشد، به طوری که اکنون به کلی نایاب است و حتّی در کتابخانه‌های دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی نیز کمتر یافت می‌شود. به نظر می‌رسد تصحیح و چاپ این اثر، خدمت ارزشمندی به عرفان اسلامی به شمار خواهد رفت که سلسله شروع فصوص را به تمامی در دسترس شیفتگان عرفان اسلامی قرار خواهد داد. از آنجا که این متن از متون متأخر به شمار می‌رود و مؤلف آن در سال ۱۱۴۳ ه. ق درود حیات گفته است، تصحیح آن، دشواریهای متون قدیم را ندارد و حتّی با استفاده از همان یگانه چاپ شرح نابلسی نیز می‌توان با تصحیح اغلاط چاپی افزودن مقدّمه و فهرس، متنی قابل استفاده منتشر نمود. امیدوارم به این پیشنهاد نیز عنایت بفرمایید.

در پایان، صمیمانه عرضه می‌دارم کار ارزشمند شما هر چند بسیار پر مرارت و طاقت فرسا است اما اجر معنوی سرشار دارد و در تمامی سرزمین ایران، کسانی خواهند بود که قدر این گونه خدمات را بدانند و شما را به ادامه کار تشویق نمایند. امیدوارم این مرکز، سالهای سال پاینده بماند و مجموعه‌ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق را به جامعه فرهنگی ایران تقدیم نماید.

سیدمحمد دشتی

### مدیر عامل مرکز نشر میراث مکتوب

#### با احترام و درود

بدین وسیله وصول شماره ۱۶ گرامی نامه آئینه میراث را با سپاس فراوان اعلام می‌دارد.

با احترام فراوان اعلام می‌دارد دوام نشر این نامه ارجمند متنوع در زمینه خود جامع، خواندنی و ماندنی را آرزو دارد.

توفیق روزافزون آن برادر گرامی را در نشر میراث گرانقدر نیاکان از خداوند سبحان خواستار است.

دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی

۱. فهرست نسخه‌های خطی مدرسه امام صادق (ع) چالوس / مقدّمه سید رفیع الدین موسوی؛ به کوشش محمود طیار مراغی
۲. الایلهیات من المحاکمات بین شرحی الایشارات / قطب الدین محمد بن محمد الرازی، تصحیح مجید هادی‌زاده
۳. الأربعینیات لکشف أنوار القدسیات / القاضی سعید محمد بن محمد مفید القمی، تصحیح نجفقلی حبیبی
۴. الصراط المستقیم فی ربط الحادث بالقدیم / میرمحمد باقر داماد، تصحیح علی اوجبی
۵. اشراق اللاهوت فی نقد شرح الیاقوت / عمیدالدین ابوعبدالله عبدالملک بن مجدالدین الحسینی العبیدی، تصحیح علی‌اکبر ضیایی
۶. سفرنامه گوهر مقصود / مصطفی‌تهرانی (میرخانی)، به کوشش زهرا میرخانی
۷. سبع رسائل / جلال الدین دوانی، تصحیح احمد تویسرکانی

۱. بدایع الملح / صدر الأفاضل خوارزمی؛ تصحیح دکتر مصطفی اولیایی
۲. تحفة الملوک / علی‌بن ابی حفص اصفهانی؛ تصحیح علی‌اکبر احمدی دارانی
۳. مثنوی شیرین و فرهاد / سروده سلیمی جرونی؛ تصحیح دکتر نجف جوکار
۴. سندباد نامه / ظهیری سمرقندی؛ تصحیح سید محمد باقر کمال الدینی
۵. مختصر السیاق فی تاریخ نيسابور / عبدالغافر بن اسماعیل الفارسی؛ تحقیق محمد کاظم
۶. بلوهر و بیودسف / مولانا نظام؛ پیشگفتار، نمایه‌ها و ویرایش محمد روشن
۷. دقائق التأویل و حقائق التنزیل / ابوالمکارم محمود بن ابی المکارم حسنی واعظ؛ پژوهش جويا جهانبخش